



## درآمدی بر اسلام شیعی

پدیدآورده (ها) : فیض بخش، محسن

ادبیات و زبانها :: نقد کتاب ایران و اسلام :: پاییز و زمستان 1393، سال اول - شماره 3 و 4  
از 112 تا 126

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1119103>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان

تاریخ دانلود : 19/08/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است. بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابراین، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوائین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)

- فاضل مازندرانی، اسدالله. اسرار الآثار خصوصی. بی جا، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ج ۲ (۱۲۴ بدیع)، ج ۵ (۱۲۹ بدیع).
- \_\_\_\_\_ تاریخ ظهور الحق. ج ۵ (نسخه خطی)، ج ۸، بی جا، مؤسسه ملی مطبوعات امری، بخش نخست، ۱۳۱ بدیع.
- قائم مقامی، جهانگیر. «روابط ظل السلطان و میرزا ملکم خان». در: بررسی های تاریخی، س ۱، ش ۶، ص ۸۳-۱۲۰، بهمن و اسفند ۱۳۴۷ ه.ش.
- قزوینی، محمد. «وفیات معاصرین». در: یادگار، ش ۴۴ و ۴۵، آذر و دی ۱۳۲۷ ه.ش.
- کتاب نارنجی (اسناد محرمانه وزارت خارجه روسیه تزاری درباره وقایع مشروطیت ایران)، ج ۱: ظل السلطان و محمدعلی شاه رودرو. به کوشش احمد بشیری و ترجمه حسین قاسمیان، تهران: نشر پرواز، ۱۳۶۶ ه.ش.
- گیلان شاه (اعتماد همایون)، امیر. یکصد و پنجاه سال سلطنت در ایران، بی جا، بی نا، ۱۳۴۰ ه.ش.
- مبارکه ای، سید محمدعلی. گزیده دانشوران و رجال اصفهان و زندگی نامه خودنوشت مؤلف. به کوشش رحیم قاسمی، قم: مؤسسه کتاب شناسی شیعه، ۱۳۹۳ ه.ش.
- محیط طباطبایی، سید محمد. سید جمال الدین اسدآبادی و بیداری مشرق زمین. تهران: کلبه شروق و نشر سماط، ۱۳۷۹ ه.ش.
- محیط مافی، هاشم. مقدمات مشروطیت (تاریخ انقلاب ایران، ج ۱). به کوشش مجید نفرشی و جواد جان فدا، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۶۳ ه.ش.
- معیرالممالک، دوستعلی خان. رجال عصر ناصری. تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱ ه.ش.
- ملک زاده، مهدی. تاریخ انقلاب مشروطیت ایران. تهران: انتشارات علمی، ۱۳۶۲ ه.ش.
- مهدوی، سید مصلح الدین. بیان سبل الهدایة فی ذکر أعقاب صاحب الهدایة یا تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر. قم: نشر الهدایة، ۱۳۶۷ ه.ش.
- نبوی رضوی، سید مقدا. تاریخ مکتوم. تهران: انتشارات پردیس دانش، ۱۳۹۳ ه.ش.
- \_\_\_\_\_ «نقش وقایع نگاران بابی در گزارش گری جنبش مشروطیت ایران». در: فصلنامه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ش ۶۱ و ۶۲، بهار ۱۳۹۱ ه.ش.
- نجفی، موسی. حکم نافذ آقا نجفی. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۹۰ ه.ش.
- وقایع اتفاقیه (مجموعه گزارش های خفیه نویسان انگلیس در ولایات جنوبی ایران از سال ۱۲۹۱ تا ۱۳۲۲ قمری). به کوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: نشر نو، ۱۳۶۱ ه.ش.
- هدایت، مهدی قلی (مخبر السلطنه). خاطرات و خطرات (توشه ای از تاریخ شش پادشاه و گوشه ای از دوره زندگی من). تهران: انتشارات زوار، ۱۳۴۴ ه.ش.

فصلنامه نقد کتاب

ایران و اسلام

سال اول، شماره ۳ و ۴  
پاییز و زمستان ۱۳۹۳

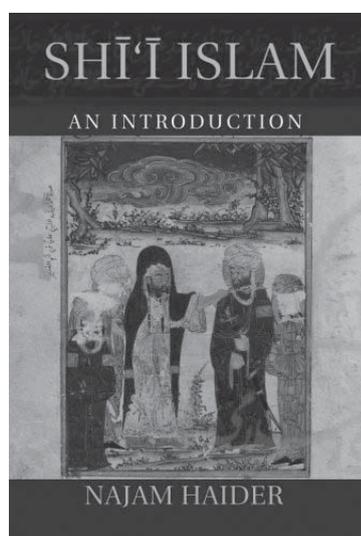
## نجم حیدر: درآمدی بر اسلام شیعی

محسن فیض بخش<sup>۲</sup>

فصلنامه نقد کتاب

ایران و اسلام

سال اول، شماره ۳ و ۴  
پاییز و زمستان ۱۳۹۳



Najam Haider. *Shi'ī Islam: An Introduction*. Cambridge: Cambridge University Press, 2014, XXII+253pp.  
ISBN: 978-1-107-62578-5

### ۱. درآمد

در حدود دو سال اخیر و در فاصله کم‌تر از یک سال، درآمدی بر اسلام شیعی نجم حیدر، دست کم سومین اثر درآمدگونه‌ای است که درباره تشیع نوشته شده است.<sup>۳</sup> مشابه چنین تراکمی در درآمدنگاری درباره تشیع را می‌توان در اواخر دهه هشتاد و اوایل دهه نود میلادی نیز یافت.<sup>۴</sup> فهم پدیده اخیر دشوار نیست؛ ظهور انقلاب

۱. استادیار دین، کالج بارنارد، دانشگاه کلمبیا.

۲. دانشجوی مقطع دکتری فلسفه دین، دانشگاه تهران. feyzbakhsh@ut.ac.ir

۳. دو نوشته دیگر از این قرار است: Daftary: 2013; Newman: 2013.

۴. برای مثال: Richard: 1991; Halm: 1988 and 1994; Momen: 1985.

اسلامی ایران با دلالت‌های شیعی آن در سال ۱۹۷۹م در کنار دیگر رخداد‌های مرتبط با جوامع شیعی در آن زمان را می‌توان عاملی برای «گسترش پرشتاب» مطالعات تشیع دانست (Newman, 2013: 4; Rajaei, 1986: 265)؛ پدیده‌ای که در کنار پژوهش‌های متعدّد در موضوعات تخصصی‌تر در مطالعات تشیع، ظهور تدریجی کتاب‌های درآمدگونه را دست کم تا حدّی توجیه می‌کند. اما پس از این گسترش قابل توجه و در نتیجه، تخصصی‌شدن مطالعات تشیع، درآمدنگاری‌های اخیر را چگونه می‌توان فهمید؟

این رویداد را می‌توان به‌سادگی یک تصادف خواند؛ در عین حال، می‌توان به دنبال تبیین‌هایی فراتر از تصادف نیز بود. نیومن در ابتدای کتاب خود، تشیع اثنا عشری<sup>۵</sup>، که از قضا یکی از درآمد‌های اخیر به تشیع است، پس از ارائه گزارشی مبسوط از پژوهش‌های پس از ۱۹۷۹م درباره تشیع، این‌گونه ادعا می‌کند که به‌رغم رشد بسیار شیعه‌پژوهی در دهه‌های اخیر، هنوز گفتمان پژوهش‌های پیش از ۱۹۷۹م بر پژوهش‌های پس از آن سیطره دارد. این سیطره عمدتاً ناظر به دو مؤلفه است: نخست این‌که مطالعه تشیع (اثنا عشری) به دو گروه مطالعات پیشا-صفوی و پسا-صفوی تقسیم می‌شود<sup>۶</sup> و تعاملی بین این دو گروه برقرار نمی‌شود و دوم این‌که هنوز تمایل به فهم تشیع به‌عنوان پدیده‌ای عمدتاً ایرانی وجود دارد<sup>۷</sup> (Newman, 2013: 8).

بر اساس این تبیین، علی‌القاعده درآمد‌های اخیر باید به‌عنوان کوششی برای پرکردن این خلأها مد نظر قرار گیرند. اما آیا واقعاً این‌گونه است؟ به گمان من، به طرز جالبی پاسخ به این پرسش، دست کم درباره کتاب حیدر- که موضوع این نوشته است -، مثبت است. درباره نکته اول، حیدر در مقدمه کتاب، سه پرسش را به‌عنوان پرسش‌هایی که در پی پاسخ بدان‌هاست، مطرح می‌کند: ۱. تفاوت شیعه و سنی چیست؟ ۲. این تفاوت‌ها چگونه در بسترهای سیاسی گوناگون بسط یافته‌اند؟ ۳. چرا این هویت‌ها باعث ایجاد تضاد در جهان معاصر مسلمان شده‌اند؟

##### 5. *Twelver Shiism: Unity and Diversity in the Life of Islam, 632 to 1722.*

۶. این تقسیم را احتمالاً می‌توان بر اساس دلمشغولی تاریخی گروه اول و دلمشغولی اجتماعی-سیاسی رویکرد دوم فهمید.
۷. اگرچه نیومن این دو نکته را ناظر به تشیع اثنا عشری گفته‌است، احتمالاً این دعاوی درباره مطالعات تشیع بدون قید اثنا عشری نیز صادق است.

فصلنامه نقدکتاب

ایران و اسلام

سال اول، شماره ۳ و ۴  
پاییز و زمستان ۱۳۹۳

(Haider, 2014: 3). به گمان من، بر اساس این سه پرسش می‌توان دریافت که وی در عین این‌که دغدغه فهم جهان معاصر تشیع را دارد، این فهم را در رشد هویت شیعی در بسترهای سیاسی گوناگون در طول تاریخ جستجو می‌کند. هم‌چنین خود وی در ادامه، تصریح می‌کند که کتاب ترکیبی است از بررسی آموزه‌های بنیادی کلامی، روایات تاریخی، و توسعه‌های سیاسی تشیع (Haider, 2014: 3). این‌ها همه، به گمان من، به معنای تلاش وی برای برقراری تعامل پیش‌گفته میان دو گونه از مطالعات تشیع است. علاوه بر این، درباره نکتۀ دوم، نجم حیدر با توجه تفصیلی به تشیع زیدی و اسماعیلی در دوران معاصر، از افتادن در دام ایرانی‌انگاری پدیدۀ تشیع احتراز کرده‌است. از این روست که می‌توان کتاب حیدر را در راستای تبیین نیومن از درآمدنگاری پس از سال‌ها گسترش مطالعات تشیع، فهمید.

## ۲. فصول کتاب

حیدر کتاب خود را در چهار بخش بدین ترتیب تنظیم کرده‌است: کلام (الاهیات)<sup>۸</sup>، ریشه‌ها<sup>۹</sup>، بساخت تشیع<sup>۱۰</sup> و تشیع در جهان مدرن<sup>۱۱</sup>. وجه ترتیب سه بخش اخیر به صورت کنونی روشن است؛ اما تقدّم الاهیات بر سه فصل دیگر پرسش‌برانگیز است. حیدر این تقدّم را این‌گونه توجیه می‌کند: «من الاهیات را دقیقاً برای فراهم‌آوردن بستری برای [فهم] تاریخ مقدّم کردم... این بدین جهت است که الاهیات شیعی به شکل‌دهی یادکرد جامعۀ تشیع از گذشته خود کمک کرده‌است» (Haider, 2014: 6).

### ۲.۱. بخش اول: کلام

بخش کلام به دو اصل اعتقادی که سنّتاً متمایزکننده اصول اعتقادی تشیع از سنن است، پرداخته‌است: باور عدل و باور امامت.

8. Theology.

9. Origins.

10. Constructing Shi'ism.

11. Shi'ism in the Modern World.

در فصل عدل، پس از تعریفی مختصر از باور رایج متکلمان شیعه درباره عدل («خداوند عادل است؛ به نحوی که انسان‌ها می‌توانند عقلاً عدالتش را دریابند») (Haider, 2014: 18)، به دلالت‌های این باور در سه حوزه عمده پرداخته می‌شود: اولاً، در حوزه «اختیار و شر»، پس از ارائه شواهد متنی (قرآنی) و تجربی اختیار از سویی و شواهد قرآنی معارض اختیار از سوی دیگر، راه حل دانشمندان شیعه (تفسیر «قدر» و «قضا») برای اثبات اختیار بیان می‌شود. پس از آن نیز تلاش‌های شیعیان برای توضیح مسأله شرّ (از طریق «خیر کثیر» و «عدمی بودن شرور») توضیح داده می‌شود.

ثانیاً، در حوزه «فقه و حقوق»، حسن و قبح عقلی و نسبت آن با چگونگی تدوین «حقوق اسلامی» مورد بحث قرار می‌گیرد.

ثالثاً، ارتباط باور عدل با نهاد «امامت» از دو جنبه بررسی می‌شود: یکی بحث از «قاعده لطف»، که دلیلی برای اثبات امام از طریق باور عدل است، و دیگری بحث از «امر به معروف و نهی از منکر» که در آن، امام به‌عنوان محور امر به معروف و نهی از منکر دانسته می‌شود؛ محوری که عدل را در جامعه مستقر می‌سازد؛ استقراری که لازمه عدالت خداوند است.<sup>۱۲</sup>

در فصل امامت، باور امامت در دو قسمت «ابعاد معنوی» و «ابعاد سیاسی و علمی» تقسیم می‌شود. قسمت اول به دو مفهوم «ولایت» و «اهل البیت» و اهمیت آن‌ها در نگاه شیعی اختصاص یافته است. نویسنده «ولایت» را به «وفاداری کارزماتیک» ترجمه کرده است و آن را عهد و پیوندی معنوی می‌داند که شیعیان با امام خود احساس می‌کنند<sup>۱۳</sup> (Haider, 2014: 32). نجم حیدر هم‌چنین رخداد

۱۲. حیدر تأکید می‌کند که «قاعده لطف» نهاد امامت را از طریق «علم» با عدالت الهی مرتبط می‌سازد و «امر به معروف و نهی از منکر» از طریق «قدرت سیاسی». اولی بیشتر مورد تأکید اثناعشریه است و دومی بیشتر مورد تأکید زیدیه. اسماعیلیه نیز، به یک معنا، موضعی میانه دارند.

۱۳. حیدر میان «ولایت» و «ولایت» این‌گونه تمایز قائل می‌شود که اولی احساس پیوند شیعه با امام خود است؛ در حالی که دومی پذیرش عملی حجّیت و اقتدار امامان است (Haider, 2014: 32). اگر چه این تعابیر عین معنای لغوی این دو واژه نیست، به نظر می‌رسد معنای لغوی این دو واژه، این برداشت را پشتیبانی می‌کند: در حالی که «ولایت» به معنای حکومت و فرمانروایی است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۰۷)، «ولایت» به معنای یاری و نصرت است؛ اما نصرتی که «به اخلاص مودت» و «از روی محبت منصور» باشد (عسکری، ۱۴۰۰: ۱۸۴).

غدیر خم را به‌عنوان بیانیهٔ ولایت امیرالمؤمنین (به‌معنای پیش‌گفته) می‌داند (Haider, 2014: 34). بخش «اهل‌البیت» غالباً گزارشی است از روایاتی که دربارهٔ جایگاه اهل بیت پیامبر است.

در قسمت «ابعاد سیاسی و علمی»، حیدر به بحث از شرایط و قلمرو امامت در نگاه سه فرقهٔ مورد بحث کتاب (زیدیه، اسماعیلیه، اثناعشریه) می‌پردازد. حیدر در این بخش (همچون شمار دیگری از مباحث نظری و تاریخی این کتاب که مرتبط با اندیشهٔ امامت است) نگاه زیدیه را در یک سو قرار می‌دهد و نگاه اسماعیلیه و اثناعشریه را در سوی دیگر. این تقسیم از سویی به جهت باور مشترک اثناعشریه و اسماعیلیه به «نص» به‌عنوان شرط احراز امامت است و از سوی دیگر، به این دلیل است که اثناعشریه و اسماعیلیه بیشتر بر وظایف علم‌محور (و نه سیاست‌محور) امام تأکید می‌کنند.<sup>۱۴</sup> در مقابل، زیدیه به تنصیب به‌عنوان شرط احراز امامت باور ندارد و بیشتر بر جنبه‌های سیاست‌محور امامت تأکید دارد. جدول انتهایی این فصل (Haider, 2014: 46-47) برای مقایسهٔ تفاوت‌ها و شباهت‌های اصلی آموزهٔ امامت در سه فرقهٔ شیعی، بسیار سودمند است.

## ۲.۲. بخش دوم: ریشه‌ها

بخش دوم متکفل گزارش رخدادها و روایات هویت‌بخش تشیع است. این رخدادها هم شامل روایات تاریخی‌ای است که هویت اجتماعی شیعی به‌طور کلی را شکل می‌دهد (فصل سوم) و هم رویدادهایی که باعث شکل‌دهی افتراقات درونی جامعهٔ تشیع شده‌است (فصل چهارم).

فصل سوم به بحث دربارهٔ جانشینی رسول خدا (ص) و شهادت امام حسین (ع) می‌پردازد؛ دو رویدادی که از نگاه حیدر، شکل‌دهندهٔ هویت مشترک شیعی است. در قسمت مربوط به جانشینی رسول خدا (ص) نیز تفکیک تقریرها به‌نحوی است که زیدیه در یک سو قرار می‌گیرد و اسماعیلیه و اثناعشریه در سوی دیگر. حیدر دو

۱۴. البته نویسندگان به تفاوت‌های میان اسماعیلیه و امامیه نیز توجه دارد؛ در باور به نص، روشن است که تفاوت اسماعیلیه و امامیه در باور به خطوط متفاوت وصایت است. دربارهٔ محدودهٔ وظایف و اختیارات امام نیز، این دو فرقه در ایجاد تعادل میان وظایف علم‌محور و وظایف سیاسی با یکدیگر اختلاف دارند. هم‌چنین، اثناعشریه حجیت سیاسی به مثابهٔ حق قانونی (de jure) را به رسمیت می‌شناسد (Haider, 2014: 43-44).

نوع استدلال بر جانشینی امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> را تفکیک می‌کند: استدلال‌های تاریخی و استدلال‌های قرآنی. در نگاه وی، اگر چه در آثار متفکران شیعی می‌توان ترکیبی از این دوگونه استدلال را یافت (Haider, 2014: 65)، استدلال تاریخی برای اسماعیلیه و اثناعشریه از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ در حالی که تکیه اصلی زیدیه بر استدلال قرآنی است. او دلیل این تمایز را باور اسماعیلیه و اثناعشریه به نص و در نتیجه، اهمیت تاریخ نزد آنان می‌داند (Haider, 2014: 53).

اسماعیلیه و اثناعشریه گزارش‌های متعددی را از تاریخ رسول خدا<sup>(ص)</sup> ذکر کرده‌اند که دلالت بر جانشینی (یا دست کم موقعیت ممتاز) امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> دارد. این گزارش‌ها اعم از گزارش‌هایی است که بستر تاریخی مشخصی دارد (مانند یوم الدار، لیلۃ المبیّت، جریان عقد اخوت، ازدواج امیرالمؤمنین با دختر رسول خدا، جنگ‌ها و حدیث ثقلین) و احادیثی از رسول خدا<sup>(ص)</sup> که جدا از بستر تاریخی به جا مانده‌اند (همچون حدیث کساء، حدیث سفینه، حدیث امان الامة، حدیث منزلت، حدیث باب مدینه علم). در عین حال، از نگاه حیدر، شواهد مذکور نه لزوماً به‌عنوان دلایل، بلکه به‌عنوان تمهیداتی برای مهم‌ترین رویداد تاریخی اعلام جانشینی امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup>، یعنی رویداد غدیر خم است؛ رویدادی که نزد شیعیان از اهمیت بسیاری برخوردار است و این اهمیت به ساحت‌های اجتماعی-سیاسی نیز راه یافته‌است؛ به‌نحوی که، مثلاً، رسمیت یافتن عید غدیر به‌عنوان نقطه تمییز حاکمان شیعی از حاکمان سنی شناخته می‌شود.

در مقابل، زیدیه اشارات تاریخی به جانشینی امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> را غیر مستقیم می‌انگارند و بر این باورند که آنچه برای اثبات جانشینی رسول خدا<sup>(ص)</sup> اهمیت می‌یابد، استدلال قرآنی است. استدلال قرآنی نزد زیدیه دو هدف عمده را دنبال می‌کند؛ دو هدفی که کاملاً با اجزای باور زیدی به شرایط و ابعاد امامت، سازگار است: اول نشان دادن اهمیت عمومی روابط خانوادگی (مثلاً در انبیای گذشته) و دوم نشان دادن اهمیت «اهل بیت» در قرآن.

در قسمت مربوط به فاجعه کربلا، حیدر پس از بیان «روایت پایه» از وقایع کربلا، روایت شیعی از آن را در سه شکل زیدی، اسماعیلی و اثناعشری آن بیان می‌کند. در این جا نیز حیدر تلاش کرده‌است تا پیوند کلام فِرَق مختلف مسلمان را به دریافت آن‌ها از وقایع تاریخی نشان دهد: اهل سنت به واقعه کربلا به‌عنوان یکی از جنگ‌های داخلی مسلمانان - که از اهمیت فزون‌تری نسبت به دیگر جنگ‌ها

فصلنامه نقدکتاب

ایران و اسلام

سال اول، شماره ۳ و ۴  
پاییز و زمستان ۱۳۹۳

برخوردار نیست - می‌نگرند. در مقابل، واقعه کربلا برای تمامی شیعیان اهمیتی فراتر از یک جنگ صرفاً داخلی میان مسلمانان دارد. با وجود این، نوع نگاه شیعیان به واقعه کربلا نیز بسته به نگرش آن‌ها نسبت به آموزه امامت است. از این رو، زیدیه دریافتی بیشتر سیاسی از رخداد کربلا دارند و اعتبار امامت امام حسین(ع) را به همین قیام (در کنار حصول دیگر شرایط امامت) می‌دانند. در مقابل، در روایت اسماعیلی و اثناعشری، مفاهیمی همچون عصمت، علم، قدرت خدادادی، ولایت امام و تأثیرات تکوینی شهادت امام(ع) حضور دارد. بر خلاف زیدیه که کربلا را در شمار دیگر قیام‌های علویان می‌دانند، اسماعیلیه و اثناعشریه جایگاه منحصر به فردی به این واقعه می‌دهند؛ به نحوی که آن‌را نه صرفاً به عنوان یک رویداد تاریخی، بلکه به مثابه نمایش تقابل خیر و شر می‌انگارند (Haider, 2014: 81).

توضیحات مربوط به نحوه بزرگداشت واقعه کربلا در هر یک از فرقه‌های شیعی در این بخش نیز قابل توجه است. اگرچه در هر سه فرقه، مراسم سالانه رخداد کربلا وجود دارد، این بزرگداشت‌ها در فرقه‌های مختلف، گونه‌های مختلفی به خود می‌گیرد. مراسم زیدیه یک مراسم ساده و عادی است. در مقابل، در اثناعشریه این مراسم بسیار مفصل‌تر، احساسی‌تر و حاوی عزاداری می‌شود. در اسماعیلیه، بهره‌ها در مراسم اثناعشریه شرکت می‌کنند؛ اما مراسم نزاری‌ها فاقد آیین‌های عزاداری است. نکته جالب، تلاش حیدر برای تبیین این تفاوت‌ها مبتنی بر مباحث کلامی است. به عنوان مثال، در مورد نزاری‌ها، فقدان آیین‌های عزاداری را معلول وجود امام زنده - به عنوان کسی که همان حجیت دینی را داراست - می‌داند (Haider, 2014: 73).

اما فصل چهارم به گزارش سه رویداد مهم می‌پردازد که برای هر یک از فرقه سه‌گانه شیعی به سزایی دارد و سبب هویت‌بخشی به آن‌هاست: قیام زید، جانشینی امام صادق(ع) و غیبت امام مهدی(عج). اگرچه این فصل کوتاه (در مجموع حدود ۱۵ صفحه) است، در این فصل، حیدر گزارشی از هر یک از این رویدادها ارائه می‌کند و سپس نتایج آن‌را مورد بررسی قرار می‌دهد. در این فصل نیز رویکرد سیاست‌محور زیدیه در مقابل رویکرد علم‌محور اسماعیلیه و امامیه مورد اشارت قرار می‌گیرد.

## ۲.۳. بخش سوم: برساخت تشیع

این بخش که حاوی سه فصل (هر فصل درباره یکی از فرقه‌های شیعی یاد شده) است، گذار هر یک از فرقه‌های مذکور را در طول تاریخ، به اختصار، وصف می‌کند و به نوعی، بستر بحث از تشیع در جهان معاصر در بخش چهارم را فراهم می‌آورد. فصل اول مراحل مختلف تاریخی زیدیه را در نسبت آن‌ها با اهل سنت نشان می‌دهد. حیدر اولاً توضیح می‌دهد که چگونه زیدیان بتری - که در ابتدا جریان غالب زیدیه بودند و اشتراکاتی با اهل سنت داشتند - به مرور جای خود را به زیدیان جارودی (زیدیانی که اشتراکات کم‌تری با اهل سنت داشتند) دادند.<sup>۱۵</sup> وی بر نقش محوری یحیی بن عبدالله بن حسن بن حسن و باورهای شیعی وی در این گذار و فاصله‌گرفتن از اهل سنت تأکید می‌کند (Haider, 2014: 109-111). ثانیاً وی نزاع جریان قاسمیّه در یمن (با گرایش اعتزالی) و ناصریه در قزوین (با گرایش ضد اعتزال)، قدرت‌گرفتن اولی و افول دومی را به‌عنوان عامل رشد کلام اعتزالی در میان زیدیه، روایت می‌کند (Haider, 2014: 112). وی اهمیت محمد الشوکانی و نقش وی را در سنتی‌زدگی میان زیدیه، در آخرین قسمت این فصل شرح می‌دهد. در فصل مربوط به اسماعیلیّه، با تمرکز بر تاریخ تطوّر اسماعیلیّه نزاری، سه مرحله مورد توجه قرار می‌گیرد: مرحله نخست از وفات محمد بن اسماعیل تا ظهور امامان فاطمی تحت عنوان اسماعیلیّه نخستین، مورد توجه قرار می‌گیرد. مرحله دوم عمدتاً به حکومت‌های اسماعیلی می‌پردازد: حکومت فاطمی در مصر و حکومت نزاری در ایران (الموت). اعلام قیامت توسط حسن صباح و تمایل به تسنن در جلال‌الدین حسن، دو موضوعی است که به‌ویژه در بحث از حکومت نزاری ایران مورد توجه قرار می‌گیرد. دست آخر، مرحله سوم به دوره زمانی بین سقوط حکومت الموت تا مهاجرت آقا خان اول به هند در سال ۱۸۴۱م اختصاص یافته است. در این قسمت، سیر امامان نزاری پس از حکومت الموت به اجمال گزارش می‌شود.

در فصل مربوط به اثناعشریه نیز سه دوره گذار مهم (از نگاه حیدر) در تاریخ تشیع اثناعشری مورد توجه قرار گرفته است: اولین قسمت مربوط به دوران پس از غیبت امام مهدی (عج) است. در این قسمت، تفوق کلام و فقه عقل‌گرایانه در دوران

۱۵. جدول صفحه ۱۰۹ کتاب، به‌خوبی تمایزات زیدیان جارودی را با زیدیان بتری نشان می‌دهد.

پس از غیبت امام مورد توجه و تأکید حیدر است. قسمت دوم مربوط به پیدایی حکومت صفوی و تأثیر آن بر بسط تشیع اثناعشری است. در قسمت سوم نیز حیدر نزاع اخباری/اصولی، فراز و نشیب گرایش به اخباریان و اصولیان و تفوق نهایی اصولیان را گزارش می‌کند.

#### ۲.۴. بخش چهارم: تشیع در جهان مدرن

بخش چهارم عهده‌دار بیان تطورات معاصر در جهان تشیع است. مانند بخش گذشته، این بخش نیز سه فصل دارد که هر یک به یکی از فرق مورد نظر پرداخته است.

فصل نخست که مرتبط با تحولات معاصر زیدیه است، با شکست عثمانی در جنگ جهانی اول و آغاز آخرین سلسله امامت زیدیه در یمن با امامت حمیدالدین (۱۹۱۸-۱۹۶۲م) آغاز می‌شود. پس از آن، تبدیل شدن یمن به جمهوری (از ۱۹۷۰م تاکنون)، سنی‌زدگی زیدیه و انزوا و تعدیب زیدیان هادوی در این دوره، مورد بحث قرار می‌گیرد. در انتها هم بحثی درباره تلاش‌های ربع قرن اخیر زیدیان هادوی برای بازیابی جایگاه سیاسی و فرهنگی‌شان در یمن صورت می‌گیرد.

فصل دوم به تحولات معاصر اسماعیلیه نزاری می‌پردازد. این فصل با داستان ظهور آقاخان‌ها و کشمکش‌ها برای کسب اقتدار بر خوجه‌ها آغاز می‌شود. در قسمت‌های مختلف گزارش این برهه، به تعاملات آقاخان‌ها با دولت بریتانیا اشاره می‌شود. در قسمت دیگر این فصل نیز، نهادها و سازمان‌های فراملی و غیر دولتی اسماعیلیه نزاری معرفی می‌شود؛ سازمان‌هایی که ساختار امروزی اسماعیلیه نزاری با آنهاست که قابل فهم می‌شود. جایگاه دوگانه آقاخان‌ها در دوره معاصر، از دیگر نکاتی است که حیدر بدان می‌پردازد: از سویی، آنها مروج ارزش‌های اروپایی (مدرن) اند و از سوی دیگر، رهبر دینی جامعه‌ای که عمدتاً غیر اروپایی است.

در نهایت، فصل سوم این بخش نیز به تحولات معاصر اثناعشریه می‌پردازد. صبغه اصلی این فصل، چنان‌که از عنوانش هویداست، «سیاسی‌شدگی تشیع اثناعشری» است. نجم حیدر تبیین این پدیده را بسیار پیچیده و نیازمند ارائه تحلیلی عمیق از ساختارهای قدرت، تاریخ و مردم‌نگاری‌های جوامع مورد نظر می‌داند و از این رو چنین تحلیلی را خارج از محدوده این کتاب به حساب می‌آورد.

(Haider, 2014: 200). در عین حال، وی توضیح این پدیده را از طریق دو موضوع پیگیری می‌کند: اول «تشیع سرخ علی شریعتی» (Haider, 2014: 200) که مقصود از آن، تفسیر سیاسی او از واقعه کربلاست و دوم نظریه ولایت فقیه امام خمینی (ره). حیدر اگرچه فرآیند سیاسی شدن تشیع را به حکومت صفوی باز می‌گرداند، معتقد است این فرآیند در قرن بیستم شتاب بیشتری گرفت (Haider, 2014: 215).

### ۲.۵. نتیجه‌گیری

کتاب با گفتاری درباره روابط سنتی-شیعه خاتمه می‌یابد. حیدر پس از گزارشی از دشمنی‌ها و تعاملات<sup>۱۶</sup> قدیم و جدید شیعیان و اهل سنت می‌کوشد مؤلفه‌هایی را مورد بررسی قرار دهد که عامل شکل‌گیری روابط جوامع شیعی و سنتی است. این مؤلفه‌ها در دو سطح تعاملات اجتماعی و روابط ملی و بین‌المللی بررسی می‌شوند. از نگاه حیدر، اگر چه باورهای کلامی را نمی‌توان به‌عنوان یک عامل در شکل‌دهی به روابط تشیع و تسنن نادیده گرفت، اهمیت کلام را نمی‌توان بیش از اندازه دانست. حتی حیدر بر این باور است که در باورهای شیعی و سنتی امری نیست که نزاع را الزام کند (Haider, 2014: 226). از این رو، نزاع‌های شیعی-سنتی بیش از آن‌که مبتنی بر مسائل کلامی باشد، ریشه در عواملی دیگر دارد.

### ۳. نکاتی درباره کتاب

درآمدی بر اسلام شیعی از جنبه‌های گوناگون قابل بررسی است. این کتاب به اقتضای ماهیت درآمدگونه‌اش، حاوی اطلاعات بسیاری است که بررسی یک‌یک آن‌ها مجال بسیار بیشتری از آن‌چه در این نوشته در اختیار است، نیاز دارد. به هر صورت، در این جا صرفاً به چند نکته مختصر، اشاره می‌شود:

یک. حیدر در مقدمه کتاب، ذیل قسمتی تحت عنوان «رویکردهای گذشته به آثار درآمدگونه درباره تشیع»، میان دو رویکرد در درآمدنویسی به تشیع تمایز می‌نهد: اول رویکردی (تاریخی) که تمایز شیعی-سنتی را در نقطه‌ای مشخص در تاریخ متقدم اسلام (جانشینی رسول خدا<sup>(ص)</sup>) جستجو می‌کند و دوم رویکردی (کلامی)

۱۶. در نگاه وی، اگر چه در تاریخ روابط سنتی-شیعی، هم تعاملات وجود داشته‌است و هم دشمنی، دشمنی‌ها بزرگنمایی شده‌اند و به تعاملات کم‌تر پرداخته شده‌است.

که مجموعه باورهای شیعی را (غالباً با تمرکز بر اثنا عشریّه) به اختصار بیان می‌کند. مشکل این جاست که حیدر نمونه‌ای از هر یک از این آثار ارائه نمی‌کند؛ اما می‌توان حدس زد که مقصود وی از دسته اول، آثاری چون شیعه در اسلام مرحوم علامه طباطبایی<sup>۱۷</sup> (بخش اول) است و از دسته دوم، آثاری مانند منشور عقاید امامیه استاد جعفر سبحانی<sup>۱۸</sup>. اگر چه تلاش حیدر برای نشان دادن پیوند کلام و تاریخ تشیع را می‌توان نوآورانه دانست، به نظر می‌رسد همه درآمدهای پیشین به تشیع نیز در دو دسته مذکور نمی‌گنجند. دست کم شماری از درآمدهای (تاریخ‌محور) نگاشته شده در قرن بیست و یکم، نگاه سنتی به تقسیم شیعی-سنتی (چنان‌که از کلام حیدر برمی‌آید) ندارند. در هر صورت، عدم ذکر منابع در این قسمت که قاعدتاً باید گزارشی از پیشینه کار در این موضوع باشد، می‌تواند یک کاستی برای کتاب به‌شمار آید.

حیدر هم‌چنین ادعا می‌کند که درآمدهای پیشین به تشیع، عموماً اختصاص به اثنا عشریّه دارند و به اسماعیلیّه و زیدیه نپرداخته‌اند. این ادعا نادرست است. کتاب اخیر دکتر دفتری (Daftary, 2013) ناقض این ادعا است.<sup>۱۹</sup> حتی اگر بپذیریم که انتشار این کتاب هم‌زمان با نگارش کتاب حیدر است و نمی‌توان انتظار داشت که نویسنده از آن آگاه بوده باشد، عدم ذکر کتاب هاینتس هالم (Halm, 1988) را نمی‌توان توجیه کرد؛ اگر چه هالم به اختصار به زیدیه و اسماعیلیه پرداخته است.

دو. حیدر اظهار می‌کند که دو فصل اول کتاب مبتنی بر آثار خود شیعیان است و دو فصل دیگر، از نگاهی برون‌دینی نگاشته شده است (Haider, 2014: 10-11). در ابتدای بخش دوم نیز حیدر بر این نکته تأکید می‌کند که روایت تاریخی‌ای که در بخش دوم ارائه شده است، گزارشی از فهم خود شیعیان از تاریخشان است، نه حاصل مطالعه انتقادی منابع تاریخی مرتبط.

اگر ادعای حیدر این‌گونه فهمیده شود که فصل اول و دوم، گزارشی است از زبان شیعیان درباره تاریخ و باورهایشان، به گمان من این ادعا قابل مناقشه است.

17. Tabatabai, 1979.

18. Sobhani, 2001.

۱۹. حتی کتاب دکتر دفتری فصلی درباره نصیریه دارد؛ گروهی که جایی در کتاب حیدر نیافته‌اند.

به‌ویژه در بخش ریشه‌ها، قسمت‌هایی از نوشته‌ی حیدر آشکارا جستجوی تاریخ است تا وصف باور شیعیان.<sup>۲۰</sup> البته این به معنای نادرستی دعاوی تاریخی حیدر نیست؛ بلکه صرفاً بدین معناست که این ادعای حیدر که گزارش فهم شیعیان را از گذشته‌ی خود، ارائه کرده‌است، محلّ تأمل است.

سه. در بخش کلام، حیدر اظهار می‌کند که منبع او در باورهای معاصر اثناعشری، کتاب منشور عقاید امامیه، تألیف استاد جعفر سبحانی است (Haider, 2014: 21). اگر چه این انتخاب احتمالاً از سویی از ساده‌سازی‌های لازم برای یک درآمدنگاری نشأت گرفته و از سوی دیگر، به جهت محدودیت منابع مرتبط برای خواننده‌ی انگلیسی زبان است، به هر حال، این انتخاب تنوع نظام‌های باوری در میان شیعیان اثناعشری را نادیده می‌گیرد.

چهار. حیدر خود به کمبودهای این کتاب - که اقتضای ماهیت درآمدگونه‌ی آن است - آگاه بوده‌است. وی مهم‌ترین کمبودهای این کتاب را بحث از اصول دین (توحید، نبوت و معاد)،<sup>۲۱</sup> آیین‌ها و مناسک تشیع و ارتباط تشیع و تصوف می‌داند. علاوه بر این، به نظر می‌رسد دست کم برای به‌دست آوردن فهم جامعی از تشیع اثناعشری، آشنایی با فقه شیعی نیز لازم است؛ موضوعی که در کتاب حیدر بدان پرداخته نشده‌است.

پنج. همان‌طور که گفته شد، نجم حیدر میان استدلال‌های تاریخی و قرآنی برای اثبات امامت تفاوت قائل می‌شود. او اولی را بیشتر مورد تأکید اسماعیلیّه و امامیه و دومی را بیشتر مورد تأکید زیدیه می‌داند. در این تقسیم‌بندی، از آن‌جا که استدلال‌های قرآنی از دريچه‌ی فرقه‌ی زیدیه مورد توجه قرار می‌گیرد، آیات مورد

۲۰. به‌عنوان نمونه، می‌توان از بحث غیبت امام مهدی (عج) در بخش دوم یاد کرد.

۲۱. حیدر با این توجیه که مخاطب کتاب را کسی فرض کرده‌است که آشنایی اجمالی با اسلام دارد (Haider, 2014: 9)، بحث از اصول دین را وا نهاده‌است. به نظر می‌رسد اگر چه این کار می‌تواند پذیرفتنی قلمداد شود، این توجیه برای آن مناسب نیست؛ چرا که دست کم میان جریان غالب در تشیع و جریان غالب در تسنن، اختلافاتی درباره‌ی اصول دین نیز وجود دارد.

استناد، به آیه تطهیر (۳۳: ۳۳)، مباحله (۳: ۶۱) و مودت (۴۲: ۲۳) محدود شده است (Haider, 2014: 64). این در حالی است که اثناعشریه از آیات دیگری نیز همچون آیه ولایت (۵: ۵۵)، آیه اولی الامر (۴: ۵۹) و آیه اکمال (۵: ۳) برای اثبات امامت بهره برده‌اند. اگرچه نجم حیدر اشاره‌ای تک‌جمله‌ای به ترکیب استدلال‌های تاریخی و قرآنی توسط دانشمندان اسماعیلی و اثناعشری کرده است (Haider, 2014: 65)، این موضوع می‌توانست بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

فصلنامه نقد کتاب

## ایران و اسلام

سال اول، شماره ۳ و ۴  
پاییز و زمستان ۱۳۹۳

شش. فصل آخر کتاب که درباره اثناعشریه در جهان معاصر است، به گمان من یک کاستی دارد و آن نادیده گرفتن تشیع اثناعشری غیر سیاسی است. اگر این تعبیر درست باشد.

هفت. جداول کتاب به حدی مفید است که نیومن در پشت‌نویسی<sup>۲۲</sup> خود بر کتاب بدان تصریح کرده است. این جداول به‌تنهایی اطلاعات طبقه‌بندی شده قابل توجهی در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

در مجموع، اگر هدف این کتاب را معرفی تشیع در کتابی تک‌جلدی بدانیم، به نظر می‌رسد کتاب حیدر، در عین کاستی‌های مذکور، کوششی قابل ستایش برای برآوردن این هدف است. به گمان من، این مرهون تلاش حیدر برای ارائه پیوسته کلام و تاریخ تشیع است.

### منابع

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴هـ). لسان العرب. تصحیح: جمال‌الدین میردامادی. بیروت: دارالفکر، دار صادر.
- عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰هـ). الفروق فی اللغة. بیروت: دارالآفاق الجدیدة.
- Daftary, Farhad (2013). *A History of Shi'i Islam*. London: I. B. Tauris.
- Haider, Najam (2014). *Shi'i Islam: An Introduction*. Cambridge: Cambridge University Press.

22. endorsement.

- Halm, Heinz (1988). *Die Schia*. Darmstadt: Wissenschaftliche Buchgesellschaft.
- (1994). *Der Schiitische Islam: Von der Religion zur Revolution*. München: Beck.
- Momen, Moojan (1985). *An Introduction to Shi'i Islam*. New Haven: Yale University Press.
- Newman, Andrew (2013). *Twelver Shiism: Unity and Diversity in the Life of Islam, 632 to 1732*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Rajaei, Farhang (1986). Review of "An Introduction to Shi'i Islam" by Moojan Momen. *Middle East Studies Association Bulletin*. Vol. 20, No. 2, pp. 265-267.
- Richard, Yann (1991). *L'Islam chiite: Croyances et ideologies*. Paris: Fayard.
- Sobhani, Jafar (2001). *Doctrines of Shi'i Islam: A Compendium of Imami Beliefs and Practices*. Trans. Reza Shah Kazemi. London: I. B. Tauris.
- Tabatabai, S. M. Husayn (1979). *Shi'ite Islam*. Trans. S. Hossein Nasr. Albany: SUNY Press.

فصلنامه نقد کتاب

ایران و اسلام

سال اول، شماره ۳ و ۴  
پاییز و زمستان ۱۳۹۳

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی